

سال ۱۳۸۰ باقر صحراوردی در فیلمی تاریخی به نویسندگی و کارگردانی مجتبی راعی بازی کرد. این فیلم وقایعی که بعد از انقلاب مشروطیت تا روی کار آمدن رژیم پهلوی و شروع جنگ جهانی اول اتفاق افتاده بود را به تصویر کشید. در این مقطع تاریخی با پیشروی ارتش روسیه به مناطق مرکزی ایران آشوب‌هایی در این مناطق حاکم می‌شود. فیلم «صنوبر» راعی هم همین داستان را به تصویر می‌کشد.



گزارشی از سریال جاده قدیم قرار نیست مخاطب را بخندانیم

این روزها رویکرد تلویزیون به سریال‌های طنز بیشتر شده است. یکی از سریال‌های طنزی که در دستور کار این رسانه قرار دارد سسرال جاده قدیم است. برای اطلاع از روند تولید جدیدترین سریال بهرام بهرامیان سری به یکی از اتفاقات تهران زدیم. گروه در یک رستوران کوهستانی مشغول کار هستند. بهرامیان با حساسیت خاص خودش مشغول ضبط این سکانس است. گرمی بازیگران سریال خاص است و نشان از فضای متفاوت اثر می‌دهد. پس از دیدن یک سکانس با بازی حمیدرضا آذرنگ و حبیب دهقان نسب با شهرام حقیقت‌دوست که مشغول استراحت است، به گفتگو می‌نشینم.

اصراری به متفاوت بودن ندارم او می‌گوید: «این سریال فضای طنز دارد. امید سهرایی از دوستان فیلمنامه را نوشته و بهرام بهرامیان هم کارگردان است. یکی، دوبار هم قرار بود با آقای بهرامیان کار کنیم اما متأسفانه شرایط مهیا نشد. من بسیار دوست داشتم با او همکاری کنم چون جزو کسانی است که کارش را خوب بلد است و کارگردان اینجا می‌خواهد است. خوشبختانه این فرصت در سریال جاده قدیم فراهم شد»

حقیقت‌دوست درباره این که چقدر روحیه خودش به آثار طنز نزدیک است که پس از سریال شاهگوش اثر داوود میرباقری دوباره مشغول یک اثر طنز شده، تصریح می‌کند: «به نظرم روحیه در انتخاب دخیل نیست این که بازیگر چون روحیه طنز دارد کار طنز را انتخاب کند. همیشه گفتم‌ها برای من اولویت فیلمنامه خوب و کارگردان خوب است. وقتی فیلمنامه متن جذابی داشته باشد و درست نوشته شده باشد و بتوان خوب اجرایش کرد، طبعاً استقبال می‌کنم و کار را می‌پذیرم. آقای میرباقری که مثال زدید، تجربه قبلی خوبی با ایشان در سریال مختارنامه داشتم. انسانی بسیار دوست‌داشتنی هستند و وقتی شاهگوش پیشنهاد شد، اصلاً فکر نکردم به این که نخواهم رفت. چون می‌دانستم مایلیم دوباره با آقای میرباقری کار کنیم. در کنار فیلمنامه و کارگردان خوب سسرال جاده قدیم، برخی از اعضای تیم این سریال را از قبل می‌شناختم و همه این‌ها دلایلی بود که باعث شد این کار را بپذیرم.»

این بازیگر درباره این که برای آثار طنز چقدر باید خلاقیت در بازیگر باشد و خودش چه میزان تلاش کرد تا کاراکترهای متفاوتی ارائه دهد، می‌گوید: «همین وقت اصراً به متفاوت

آدم‌های واقعی را روایت می‌کنیم پس از این گفتگو به سراغ یکتا ناصر و حمیدرضا آذرنگ می‌روم و با آن‌ها به گفتگو می‌نشینم. آذرنگ درباره کاراکترش می‌گوید: «این کاراکتر مانند بسیاری از آدم‌های روزگار ماست که با سادگی زندگی می‌کنند و موقعیت‌ها، سادگی آن‌ها را دچار خدشه می‌کنند» یکتا ناصر درباره این انتخاب متفاوت می‌گوید: «من بیشتر از این که چقدر یک نقش یا یک نقش دیگر تفاوت دارد، فکر می‌کنم آیا این نقش پرداخت درستی داشته است؟ و این که من چقدر می‌توانم روی این کاراکتر کار کنم. اولین عامل موفقیت یک کار نمایشی فیلمنامه آن است. با این که ما در این سریال فیلمنامه کامل نداریم اما به نظرم آمد کاراکترها، آدم‌های واقعی هستند که می‌توانند وجود داشته باشند. بیشتر به این موضوع فکر کردم و بعد هم

آن‌ها درباره تجربه یک سسرال طنز اینگونه می‌گویند: آذرنگ: «جنس نوشتاری و طرح اولیه‌ای که درباره‌اش با نویسنده صحبت کردیم، نوید این را می‌داد که



حبیب دهقان نسب در سکانس بعدی بازی دارد و مشغول تمرین دیالوگ‌هایش است. او می‌گوید: «من نقش سروان سخایی را دارم که یک افسر نیروی نظامی است. وقتی قهرمان‌های قصه یعنی طینت زینت و نعمت گاو‌شان گم می‌شود، برای پیدا کردن گاو‌شان متوسل به کلانتری منطقه می‌شوند و افسر نگهبان آن که سروان سخایی است، این کاراکتر در طول داستان به آن‌ها برای پیدا کردن گاو کمک می‌کند.»

او در پاسخ به این سؤال که نگاه شما به تولیدات تلویزیونی چیست، می‌گوید: «سازمان صدا و سیما تشکیلاتی با تعداد زیادی شبکه است، البته من مخالف این همه کانال هستم. علتش هم این است که وقتی نتوانیم تعداد اندکی از شبکه‌ها را تغذیه کنیم، طبیعی است که این همه کانال را هم نتوانیم. به تکرار می‌افتمیم و بارها و بارها فیلم و سریال‌هایی پخش می‌کنیم که قبلاً روی آنتن رفته است. شاید پخش برخی از این آثار برای نسلی که آن‌ها را ندیده، جذاب باشد اما این که یک سریال قدیمی و کهنه را کانال به کانال بچرخانیم به نظرم جذابیتی ندارد. پس بهتر این بود که تعداد کانال‌ها را کمتر می‌کردیم و به جای

آن سریال‌های متنوع و جذاب‌تری می‌ساختیم.» او می‌افزاید: «مورد بعدی هم این است که نمی‌دانم چرا کفگیر به ته دیگ خورده و تلویزیون دچار کمبود بودجه شده است. به همین دلیل تلویزیون پیشنهاد می‌دهد هر کسی می‌خواهد سریال بسازد با یک نهاد و سازمان یا تشکیلات مشارکت کند و در برخی برنامه‌ها دیدیم که برخی از این حامیان مالی، به اثر، تحمیل می‌شوند. به جای این که قصه بر اسپانسر حاکم شود، بر عکس شد و اسپانسر بر قصه حاکم شد. این به کارها لطمه می‌زند. اگر تلویزیون بودجه‌ای ندارد، بودجه در اختیارش بگذارند. دائم صحبت از تهاجم فرهنگی می‌کنیم و مردم ما به سریال‌های کانال‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ها روی آوردند، پس ما هم بازی آثاری بسازیم که برای تماشاگر جذاب باشد تا به جای این که آن کارها را ببینند، سریال‌های خودمان را ببینند.» این بازیگر ادامه می‌دهد: «در همین راستا باید به قول معروف دست هنرمندان از جمله کارگردان، نویسنده و... و بازی‌گذاریم تا مسائل گوناگون مطرح کنند. در هر جامه‌ای غم و شادی، تلخی و شیرینی وجود دارد، هم فراز دارد و هم فرود پستی و بلندی دارد. همه این‌ها با هم در کنار هم قرار دارد. اگر فقط بخوایم خوشی‌ها را نشان دهیم تماشاچی باور نمی‌کند. او چیزی را باور می‌کند که در اطرافش و در زندگی خودش می‌بیند. او وقتی کاری را باور نکند، پس می‌زند و در این صورت دست‌اندرکاران یک فیلم و سریال که زحمت می‌کنند، تلاش‌شان بی‌فایده است. چون مخاطب کار آن‌ها را باور نمی‌کند. اگر تلویزیون این نکات را رعایت کند، طبیعتاً تماشاگر به آثار خودمان روی می‌آورد.»

علی تقی پور، تهیه‌کننده سریال جاده قدیم:

جاده قدیم، راه متفاوتی را در کمدی می‌رود



تولید سسرال از جمله کارهایی است که به نظر می‌رسد می‌تواند جزو مشاغل سخت قرار بگیرد. پروژه تهیه و تولید گرچه به نظر پروسه خلاقانه‌ای نمی‌آید اما تهیه‌کننده (به معنای درست کلمه) باید دست به کارهای خلاقانه‌ای بزند تا بتواند یک گروه کثیر تولید را در مسیر درست تولید ک محصول فرهنگی قرار بدهد و نقطه اتکای او همواره باید ترغیب

گروه به همکاری جمعی باشد. اتفاقی که خصوصاً در آثاری که قرار است در یک فشرده‌گی زمانی به پخش برسد بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. هر چند با همه خلاقیت‌هایی که یک تهیه‌کننده دست به آن می‌زند، گاه ممکن است ناهمواری‌های غیر قابل پیش‌بینی هم به وجود بیاید. به هر جهت در تهیه و تولید سریال «جاده قدیم» آنچه به لحاظ تولیدی گفتنی است این است که ما کار را در ۳۱ فروردین ماه در تهران و در یک لوکیشن خیابانی کلید زدیم. در حالی که خدشما به عنوان تهیه‌کننده به متن سریال که توسط امید سهرایی نگاشته شده ایمان داشتیم و به تمام انتخاب‌هایی که برای تولید این سریال صورت گرفته است. متن دارای جذابیت داستانی بالایی است و فضای کمدی متفاوتی در این کار وجود دارد. با بازیگران توانایی برای نقش‌ها انتخاب شده‌اند و خوشبختانه آقای عبدالاسکندری طراحی گرمی را به عهده داشتند که حتماً تماشاگران در این سریال با یکی از معدود سریال‌هایی روبه‌رو خواهند شد که گرمی به عنوان یک هنر خود را در آن نشان خواهد داد. به نظرم کار جذابیت‌های جانبی دیگری هم دارد که در موقع پخش خود تماشاگران آن را خواهند دید. بهرام بهرامیان که کارگردانی کار را به عهده دارد با حوصله و دقت کار را جلو می‌برد و با این که گرمی ۱۶ ساعت کار می‌کنند اما همه توان خود را گذاشته‌اند که کار پر نشاطی تولید شود. این سریال محصول سینما فیلم است و با مشارکت شرکت لایلاش و پخش فرآورده‌های نفتی تولید می‌شود. از این رو یکی از اهداف این سریال این است که به صورت غیر مستقیم اهمیت تولید ملی و بحث صرف‌جویی در انرژی را مطرح کند. تدوین، صداگذاری و ساخت موسیقی این سریال به صورت هم‌زمان در حال انجام است و گروه همه تلاش‌شان این است که کیفیت کار تحت تأثیر فشرده‌گی تولید قرار نگیرد. مخاطب در این سریال با یک قصه پر کشش جستجوگرانه در موقعیت کمدی روبه‌رو خواهد بود که همین موضوع باعث جذابیت‌اش خواهد شد ما در این سریال با تعداد لوکیشن روبه‌رو هستیم و به جهت نوع روایت قصه، همانطور که اشاره کردم جستجوگرانه است. نزدیک به ۵۰ درصد لوکیشن‌های ما خارجی است. مطمئن هستم همین باعث متفاوت بودن کار خواهد شد. جدا از این لوکیشن‌های داخلی ما هم تنوع بالایی دارد. از همین رو کار تولیدی سختی را پیش رو داریم. ما از کلانتری تا پمپ بنزین و قالیشویی و روستا و خیابان‌های مختلف تهران و بیمارستان و... و در این سریال خواهیم دید که به فراخور داستان، بازیگران در آن داستان خود را دنبال می‌کنند. امیدواریم که موقع پخش رضایت مخاطب خستگی ما را هم رفع کند.

امید سهرایی نویسنده سریال:

متن باید گویا باشد



در ابتدا قرار بود این سریال برای عید نوروز با کارگردان دیگری کار شود که بنابه دلایلی این اتفاق نیافتاد. من هیچ وقت خودم را نویسنده کمدی نمی‌دانم، حتی مخاطب خوبی بصرای کمدی هم نیستم. چون برای عید بود ترجیح دادم که فضای اثر کمدی باشد اما وقتی زمانش برای بعد از عید شد،

همان فضایی را خودم دوست داشتم، به کار تزییق کردم. فضای مفرحی که بخش دراماتیک هم دارد و به همین دلیل کمدی صرف نیست. معتقدم کمدی فقط در موقعیت شکل می‌گیرد، کمدی کلام، فکاهی است. بازیگر کمدی یا کم‌دین داریم اما شخصیت کمدی نداریم. هر شخصیتی در موقعیت طنز قرار بگیرد می‌تواند کمدی باشد حالا در این موقعیت کمدی از شوخی‌های کلامی هم استفاده می‌شود. خوشبختانه با کارگردان و گروه هم تعامل خوبی دارم البته من معتقدم متن نویسنده کاملاً باید گویا باشد.

که بخواهی این تفاوت‌ها را قائل بشوی که حس بیرون نزنند و اصطلاح اغراق آمیز بودن شکل نگیرد. هر بازیگر نتاثری کافی است یکی دوبار تجربه تصویر داشته باشد، قطعاً آنقدر باهوش است که چنین نکاتی را رعایت کند. کسانی که در کار تصویر بازی اغراق گونه دارند، همان‌هایی هستند که احتمالاً در نتاثر هم این بازی اغراق گونه را ارائه می‌دهند.» او در پاسخ به این سؤال که همکاری با بهرامیان چه ویژگی‌هایی داشت، تصریح می‌کند: «آقای بهرامیان جزو آدم‌هایی است که عاشق کارش است. مثال اول من در این مورد آقای میرباقری است. هیچ کسی را ندیدم در لحظاتی که سر کار است، به جز کار به چیز دیگری فکر کند. شاخصه دوم آقای بهرامیان این است که بازی را خوب می‌شناسد و بسیار روی آن تأکید دارد. علاوه بر این که روی کار فنی کارگردان مسلط است، دکوپاژ خوب می‌کند و میزانش را خوب می‌چیند، بدون اغراق می‌گویم ۸۰ درصد انرژی‌اش برای در آمدن بازی بازیگرانش خرج می‌شود. این موضوع برای بازیگر دلنشین است و خیال من را به عنوان بازیگر راحت می‌کند که بازی‌ها را راضی می‌کنم.»

به او می‌گویم پس از سریال موفق «خط قرمز» می‌توانست بسیار پرکارتر باشد ولی این اتفاق نیفتاد و او راهش را آهسته و پیوسته پیش هم جلو می‌رویم.» آن‌ها از همکاری با بهرام بهرامیان اینگونه می‌گویند: ناصر: «خوشحالم با کارگردانی مثل بهرامیان کار می‌کنم که روی کارش حساسیت دارد. او کارش را بلد است و در مقام بازیگر برایم این همکاری اتفاق خوبی است. او دنبال نتیجه خوب است. ما دغدغه‌ها خوب را داریم و امیدوارم شرایط به گونه‌ای باشد که از همه توانایی‌هایمان استفاده کنیم.» آذرنگ: «بهرامیان کسی است با کارش به عنوان شغل و حرفه برخورد نمی‌کند، این که وظیفه‌اش را انجام بدهد و برود. او دغدغه‌ش دارد و من بسیار دوست دارم با او در شرایط دیگری کار کنم به طوری که مجبور نباشد شتابزده کار کند و آنقدر زمان

۱۵ یا ۲۰ سال پیش به کسی می‌گفتی بیا تفاوت‌هایی وجود دارد. لازم است کاری تیپیکال اجرا شود، در کار دیگری موقعیت کمدی را جرح است. فضای اثر می‌گوید باید چگونه اجرا شود. نقش من در این کار یک فضای تیپیکال گونه‌ای دارد و اینجا می‌خواهم از آقای عبدالاسکندری بزرگ یاد کنم که گرمی ایشان بسیار به من کمک کرد» حقیقت‌دوست ادامه می‌دهد: «من برای اجرای نقش فکرهای اولیه‌ای داشتم که این فکرها را با آقای اسکندری در میان گذاشتم و ایشان در همین راستا تست‌های مختلفی زد. مثلاً به من می‌گفت بر اساس این تست گرمی فکر می‌کنی چه لحنی مناسب باشد؟ در همین تمرین‌هایی که در تست گرمی‌های مختلف داشتم کاراکتری خلق شد که همان را اجرا می‌کنیم. آقای بهرامیان آنقدر روی بازی و موقعیت‌های درست تسلط دارد که بسیار فضای راحتی را برای پیدا کردن این نقش در سریال ایجاد کرد.» حقیقت‌دوست سال‌ها تجربه نتاثر دارد. او در پاسخ به این سؤال که تفاوت بازی نتاثر و تصویر از نگاه شما چیست، می‌گوید: «قطعاً تفاوت دارد ولی نه به آن شکلی که در عموم صحبت‌هایی در مورد آن می‌شنویم. شاید

قرار است یک سریال طنز متفاوت ساخته شود و جنس طنزایی اثر یا چیزهایی که خودم تجربه کرده بودم متفاوت بود. مسیر قصه را دوست داشتم و امیدوارم نتیجه هم خوب باشد.» ناصر: «فضای اثر طنز است اما زمانی شما در زندگی کاری می‌کنید که نشان دهید آدم بازمه‌های هستید، مثلاً شوخی می‌کنید اما در این سریال قرار نیست ما کاری را انجام دهیم که مخاطب را بخنداند خصوصاً که من هیچ وقت بازیگر طنز نبوده‌ام. معتقدم موقعیت طنز باید فضای طنز را به وجود بیاورد.» آذرنگ: «اما قرار نیست دلیل خنده و تبسم باشیم بلکه در موقعیت‌هایی قرار می‌گیریم که گاهی خودمان هم متبسم می‌شویم. امیدوارم آنچه در متن هست، اتفاق بیفتد و آنچه قصه می‌خواهد روایت می‌کند به درستی انجام شود. خانم ناصر گفتند ما تلاش نمی‌کنیم مردم را بخندانیم



این سریال روایتگر روزهای آغاز زندگی مشترک و زینت است که پس از عروسی‌شان همراه با یک گاو که جهیزیه زینت و تنها دارایی آن‌هاست به تهران می‌آیند. با گم شدن این گاو در بند و ورودشان به شهر در سراها آغاز می‌شود و...